



دانشگاه سوادکوه

اخلاق حرفه‌ای در تعلیم و تربیت

دکتر مهدی محمودی دکتر مهران فرج‌اللهی

دکتر علی قنبری

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	یازده
مقدمه.....	سیزده
فصل اول. مفهوم شناسی اخلاق.....	۱
هدف کلی.....	۱
هدف‌های یادگیری.....	۱
۱-۱ تعریف اخلاق.....	۲
۱-۱-۱ غایت اخلاق در اسلام.....	۴
۲-۱ اهمیت و ضرورت توجه به اخلاق.....	۴
۳-۱ تاریخچه اخلاق.....	۶
۴-۱ اخلاق در مکتب روانکاوی.....	۸
۵-۱ اخلاق در مکتب یادگیری.....	۸
۶-۱ اخلاق در مکتب رشدی - شناختی.....	۹
۷-۱ اخلاق در اندیشه ارسطو.....	۹
۸-۱ اخلاق در اندیشه افلاطون.....	۱۳
۹-۱ تربیت اخلاقی در اندیشه افلاطون.....	۱۶
۱۰-۱ اخلاق در اندیشه فارابی.....	۱۷
۱۱-۱ تربیت اخلاقی در اندیشه فارابی.....	۲۰
۱۲-۱ راهکارهای عملی تربیت اخلاقی بر مبنای اندیشه فارابی.....	۲۳
خلاصه فصل اول.....	۲۵
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول.....	۲۶
خودآزمایی تشریحی فصل اول.....	۲۷

۲۹	فصل دوم. ارزش‌های اخلاقی.....
۲۹	هدف کلی.....
۲۹	هدف‌های یادگیری.....
۳۰	۱-۲ تعریف ارزش.....
۳۲	۲-۲ انواع ارزش.....
۳۳	۳-۲ ارزش‌های اخلاقی.....
۳۴	۴-۲ اهمیت و ضرورت توجه ارزش‌های اخلاقی.....
۳۸	۵-۲ ارزش‌های اخلاقی در مکاتب فلسفی.....
۳۹	۲-۵-۱ عاطفه‌گرایان.....
۳۹	۲-۵-۲ لذت‌گرایان.....
۳۹	۲-۵-۳ وجدان‌گرایان.....
۳۹	۲-۵-۴ نتیجه‌گرایان.....
۴۰	۲-۵-۵ وظیفه‌گرایان.....
۴۰	۲-۵-۶ اسلام‌گرایان.....
۴۱	۶-۲ عناصر ارزش اخلاقی.....
۴۲	۷-۲ معیار ارزش‌های اخلاقی.....
۴۳	۸-۲ ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه اسلام.....
۴۵	۹-۲ علل بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های اخلاقی.....
۴۶	۱۰-۲ تبیین ارزش‌های اخلاقی.....
۴۹	۱۱-۲ نقش خانواده در تبیین ارزش‌های اخلاقی.....
۵۲	۱۲-۲ نقش تعلیم و تربیت در تبیین ارزش‌های اخلاقی.....
۵۸	خلاصه فصل دوم.....
۵۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....
۶۱	خودآزمایی تشریحی فصل دوم.....

۶۳	فصل سوم. اخلاق حرفه‌ای (مفهوم حرفه و ابعاد آن، اخلاق حرفه‌ای و ابعاد آن).....
۶۳	هدف کلی.....
۶۳	هدف‌های یادگیری.....
۶۴	۱-۳ مفهوم حرفه.....
۶۵	۲-۳ تاریخچه حرفه.....
۶۸	۳-۳ معیارهای حرفه.....
۶۹	۴-۳ مؤلفه‌های حرفه.....
۷۰	۵-۳ عناصر اصلی حرفه.....
۷۰	۶-۳ ابعاد حرفه.....
۷۱	۳-۶-۱ ابعاد ساختاری.....
۷۲	۳-۶-۲ ابعاد نگرشی.....

۷۵.....	۷-۳ انواع حرفه‌ها.....
۷۶.....	۸-۳ اخلاق حرفه‌ای.....
۷۸.....	۹-۳ مفهوم شناسی اخلاق حرفه‌ای.....
۸۰.....	۱۰-۳ اهمیت اخلاق حرفه‌ای.....
۸۲.....	۱۱-۳ تاریخچه اخلاق حرفه‌ای.....
۸۳.....	۱۲-۳ مؤلفه‌های عمومی اخلاق حرفه‌ای.....
۸۳.....	۱۳-۳ ویژگی‌های فرد دارای اخلاق حرفه‌ای.....
۸۵.....	۱۴-۳ عوامل مؤثر بر اخلاق حرفه‌ای.....
۸۶.....	۱۵-۳ فواید اخلاق حرفه‌ای.....
۸۷.....	۱۶-۳ اساس اخلاق حرفه‌ای.....
۸۸.....	خلاصه فصل سوم.....
۹۰.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم.....
۹۱.....	خودآزمایی تشریحی فصل سوم.....
۹۳.....	فصل چهارم. اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش.....
۹۳.....	هدف کلی.....
۹۳.....	هدف‌های یادگیری.....
۹۴.....	۱-۴ آموزش و پرورش.....
۹۵.....	۲-۴ مفهوم شناسی آموزش و پرورش.....
۹۶.....	۳-۴ اهمیت آموزش و پرورش صحیح.....
۹۶.....	۴-۴ اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش.....
۹۹.....	۵-۴ ضرورت اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش.....
۱۰۲.....	۶-۴ اخلاق حرفه‌ای معلمان.....
۱۰۴.....	۷-۴ اصول اخلاق حرفه‌ای معلمان.....
۱۰۵.....	۱-۷-۴ اصل تقدم اخلاق.....
۱۰۵.....	۲-۷-۴ اصل پرهیز از اخلاق گریزی.....
۱۰۶.....	۳-۷-۴ اصل پرهیز از تحویلی نگری.....
۱۰۸.....	۴-۷-۴ اصل نیاز به سند جامع اخلاقی.....
۱۰۸.....	۸-۴ آموزش اخلاق حرفه‌ای به معلمان.....
۱۱۰.....	خلاصه فصل چهارم.....
۱۱۱.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....
۱۱۲.....	خودآزمایی تشریحی فصل چهارم.....
۱۱۳.....	فصل پنجم. اسلام و اخلاق حرفه‌ای.....
۱۱۳.....	هدف کلی.....
۱۱۳.....	هدف‌های یادگیری.....

۱-۵	مفهوم اخلاق.....	۱۱۴
۲-۵	تعریف اخلاق از دیدگاه دانشمندان اسلامی.....	۱۱۶
۳-۵	تاریخچه علم اخلاق.....	۱۱۷
۴-۵	اخلاق نبوی.....	۱۱۷
۵-۵	ویژگی های اخلاق حرفه ای در اسلام.....	۱۱۸
۶-۵	اخلاق حرفه ای در نهج البلاغه.....	۱۱۹
۷-۵	مؤلفه های اخلاق حرفه ای در اسلام.....	۱۲۱
۸-۵	اخلاق حرفه ای معلمان از دیدگاه اسلام.....	۱۲۶
۸-۵-۱	اخلاق حرفه ای فردی.....	۱۲۶
۸-۵-۲	اخلاق حرفه ای معلمی در حوزه سازمانی.....	۱۲۹
۹-۵	رابطه عبادت و تعلیم و تربیت.....	۱۳۴
	خلاصه فصل پنجم.....	۱۳۵
	خودآزمایی چهارگزینه ای فصل پنجم.....	۱۳۶
	خودآزمایی تشریحی فصل پنجم.....	۱۳۷
	فصل ششم. اخلاق حرفه ای مربیان در آثار تمدن ایرانی و تمدن غرب.....	۱۳۹
	هدف کلی.....	۱۳۹
	هدف های یادگیری.....	۱۳۹
۱-۶	اخلاق در تمدن ایرانی.....	۱۴۰
۱-۶-۱	اخلاق حرفه ای معلمان از دیدگاه ابن سینا.....	۱۴۰
۱-۶-۲	اخلاق حرفه ای معلمان از دیدگاه غزالی.....	۱۴۳
۱-۶-۳	اخلاقی حرفه ای از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی.....	۱۴۴
۲-۶	اخلاق حرفه ای مربیان در تمدن غرب.....	۱۴۹
۲-۶-۱	عمده نظریات اخلاق حرفه ای.....	۱۵۲
۲-۶-۲	کانت و اخلاق حرفه ای معلمان.....	۱۵۷
۲-۶-۱-۲	اصول اخلاق حرفه ای معلمان.....	۱۵۸
۲-۶-۲-۲	ویژگی های معلمان با اخلاق حرفه ای از دیدگاه کانت.....	۱۵۹
۲-۶-۳	جان لاک و اخلاق حرفه ای معلمان.....	۱۶۱
۲-۶-۴	جان دیویی و اخلاق حرفه ای معلمان.....	۱۶۳
	خلاصه فصل ششم.....	۱۶۶
	خودآزمایی چهارگزینه ای فصل ششم.....	۱۶۸
	خودآزمایی تشریحی فصل ششم.....	۱۶۹
	فصل هفتم. موانع تحقق اخلاق حرفه ای در تعلیم و تربیت.....	۱۷۱
	هدف کلی.....	۱۷۱
	هدف های یادگیری.....	۱۷۱

۱۷۲	۱-۷ مشکلات و موانع تحقق اخلاق حرفه‌ای.....
۱۷۵	۲-۷ برخی از آسیب‌ها و موانع تحقق اخلاق حرفه‌ای معلمان.....
۱۸۰	خلاصه فصل هفتم.....
۱۸۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم.....
۱۸۱	خودآزمایی تشریحی فصل هفتم.....
۱۸۳	پاسخنامه.....
۱۸۵	منابع.....

پیشگفتار

بدون تردید اخلاق یکی از ارکان اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهد. رسالت اساسی تعلیم و تربیت نیز ایجاد بستر مناسب برای رشد همه‌جانبه انسان به‌ویژه رشد اخلاقی اوست. نهاد تعلیم و تربیت مهم‌ترین نهاد هر اجتماع است که باید موجبات اخلاق‌مداری هر کشور را فراهم آورد. فلاسفه، علم اخلاق را به دو قسمت تقسیم می‌کنند: اخلاق نظری که وظیفه آن مطالعه صفات و اعمال اخلاقی و پاسخ به سؤال‌ها و استدلال در مورد خوبی یا بدی اعمال است و اخلاق عملی که تلاشی عملی است برای رسیدن به وضعیت اخلاقی مطلوب و دستیابی به فضایل اخلاقی. ضروری است افرادی که در تعلیم و تربیت جامعه نقش دارند، اولاً وظایف اخلاقی مرتبط با حرفه خود را بشناسند تا مسؤولیت‌های شغلی خود را بدون نیاز به هرگونه ناظر خارجی به‌خوبی انجام دهند؛ ثانیاً متوجه باشند که در جایگاه شغلی خود وظیفه تربیت اخلاقی دانش‌آموزان را نیز به عهده دارند، فلذا برای انجام این وظیفه خود باید ملتزم به اخلاق عملی باشند. یکی از ابعاد اخلاق، اخلاق حرفه‌ای است. اخلاق حرفه‌ای مدت‌زمانی است که در کشورهای مختلف و در گروه‌های شغلی مختلف مورد توجه قرار گرفته و تلاش‌هایی در جهت تدوین کدها و استانداردهای اخلاقی صورت گرفته است. نهاد تعلیم و تربیت نیز از آنجا که به مثابه پیش‌تازان حرکت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع بوده و اعتقادات و باورهای حاکم بر آن‌ها، دیر یا زود به کل جامعه تسری یافته و عرصه‌های تازه‌ای را به‌سوی آحاد مردم خواهد گشود، از توجه به اخلاق حرفه‌ای

بی‌نیاز نیستند. اخلاق حرفه‌ای به چگونگی رفتار، ادب و عمل شخص هنگام انجام کار حرفه‌ای می‌پردازد. درواقع اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها در یک ساختار حرفه‌ای را تعیین می‌کند. این کتاب با هدف بررسی ابعاد مختلف اخلاق و اخلاق حرفه‌ای در تعلیم و تربیت تدوین شده است.

مؤلفان

مقدمه

کتاب حاضر از هفت فصل تشکیل شده است که در ادامه هر یک از فصول به اختصار توضیح داده شده است:

فصل اول. مفهوم شناسی اخلاق؛ در فصل اول مفهوم اخلاق در معنای عام آن مورد توجه قرار گرفته است. در این رابطه اهمیت توجه به اخلاق، تاریخچه اخلاق، روش‌های آموزش اخلاق و اخلاق در مکاتب یادگیری و روان‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است.

فصل دوم. ارزش‌های اخلاقی؛ در فصل دوم بحث بسیار مهمی مطرح شده است. ابتدا اهمیت و ضرورت توجه به ارزش‌های اخلاقی بحث شده و سپس ارزش‌های اخلاقی در مکاتب مختلف فلسفی مورد توجه قرار گرفته است و در ادامه آن دیدگاه اسلام (ابتدا به عنوان یک مکتب فلسفی و فراتر از آن به عنوان یک دین آسمانی) درباره ارزش‌های اخلاقی بحث شده است.

فصل سوم. اخلاق حرفه‌ای (مفهوم حرفه و ابعاد آن، اخلاق حرفه‌ای و ابعاد آن)؛ در فصل سوم مفهوم حرفه، معیارها، مؤلفه‌ها، عناصر و ابعاد آن مورد توجه قرار گرفته و سپس درباره اخلاق حرفه‌ای، اهمیت و تاریخچه آن و سپس موضوعات مهمی همچون ویژگی‌های فرد دارای اخلاق حرفه‌ای و فواید آن بحث شده است.

فصل چهارم. اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش؛ در این فصل، ابتدا مفهوم آموزش و پرورش و اهمیت آن برای رسیدن به یک جامعه متعالی مورد توجه قرار گرفته و سپس درباره اهمیت و ضرورت اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش بحث شده است. در ادامه آن به شکل دقیق‌تر و اختصاصی‌تری، درباره اخلاق حرفه‌ای برای معلمان و اصول آن صحبت شده است.

فصل پنجم. اسلام و اخلاق حرفه‌ای؛ تعریف اخلاق از دیدگاه دانشمندان اسلامی، تاریخچه علم اخلاق و اخلاق نبوی، ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای در اسلام و اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه از جمله موضوعاتی هستند که در این فصل درباره آن‌ها بحث شده است.

فصل ششم. اخلاق حرفه‌ای مرییان در آثار تمدن ایرانی و تمدن غرب؛ در این فصل درباره موضوعاتی همچون اخلاق در تمدن ایرانی، اخلاق حرفه‌ای معلمان از دیدگاه ابن‌سینا، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی بحث شده است. علاوه بر این اخلاق حرفه‌ای مرییان در تمدن غرب و تاریخچه آن و دیدگاه صاحب‌نظران غربی همچون کانت و لاک و دیدی در این خصوص مورد بحث قرار گرفته است.

فصل هفتم. موانع تحقق اخلاق حرفه‌ای در تعلیم و تربیت؛ مشکلات و موانع تحقق اخلاق حرفه‌ای و آسیب‌ها و موانع تحقق اخلاق حرفه‌ای معلمان از جمله موضوعاتی هستند که در این فصل درباره آن‌ها بحث شده است. امید است که خوانندگان گرامی، در پایان مطالعه کتاب، دستاوردهایی عملی در جهت بهره‌مندی از اخلاق حرفه‌ای در تعلیم و تربیت کسب کنند.

فصل اول

مفهوم شناسی اخلاق

هدف کلی

آشنایی با مفهوم اخلاق و تربیت اخلاقی.

هدف‌های یادگیری

پس از مطالعه این فصل از شما دانشجویان انتظار داریم:

۱. اخلاق را تعریف کنید.
۲. اهمیت توجه به اخلاق را شرح دهید.
۳. تاریخچه اخلاق را بیان کنید.
۴. روش‌های آموزش اخلاق را نام ببرید.
۵. اخلاق در مکتب روانکاوی را شرح دهید.
۶. اخلاق در مکتب یادگیری را شرح دهید.
۷. اخلاق در مکتب رشدی - شناختی را شرح دهید.
۸. اخلاق در اندیشه فارابی را شرح دهید.
۹. تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی را بیان کنید.
۱۰. راهکارهای عملی تربیت اخلاقی بر مبنای اندیشه فارابی را شرح دهید.
۱۱. اخلاق در اندیشه افلاطون را شرح دهید.
۱۲. تربیت اخلاقی از دیدگاه افلاطون را بیان کنید.
۱۳. اخلاق در اندیشه ارسطو را شرح دهید.

۱-۱ تعریف اخلاق

اخلاق^۱ جمع خُلُق است، خُلُق به معنی سیرت و باطن و مراد از خلق، شکل نفسانی و صفات روحی است. تمام علمای اخلاق و اکثر فلاسفه و دانشمندان، اخلاق را رسیدن به سعادت و کمال واقعی انسان دانسته و آن را سرمایه‌ی تعالی و تکامل مادی و معنوی بشر به‌شمار می‌آورند. قدما، علم اخلاق را آموزگار خوی‌های نیکو دانسته‌اند. امروزه نیز از خلق‌وخوی به الگوی رفتاری تعبیر می‌کنیم. علمای دینی عقیده دارند که صفات حمیده و خلق‌وخوی پسندیده، سعادت انسان‌ها و پیوندهای محکمی را در بین آنان برقرار می‌سازند. جوامع بشری برای اینکه بتوانند به اخلاق فردی و اجتماعی عمل کرده، از حسن روابط اجتماعی برخوردار و با کامیابی و موفقیت در کنار رفاه و آسایش مادی شایسته به مقام انسانی نائل شوند، باید به فضایل اخلاقی آراسته و از رذایل بر حذر باشند. مکتب اسلام عالی‌ترین مکتب اخلاقی می‌باشد و معتقد است که هر کسی برخلاف حقیقت قدم بردارد، اثر وضعی آن دودی است که اول به چشم خودش می‌رود (فروید، ۱۳۸۶).

نقش اخلاق آنچنان عظیم و گسترده است که پیامبر اسلام (ص) هدف از بعثت را تکمیل مکارم اخلاق دانسته است زیرا در نفس آدمی گرایش به خیر و شر نهفته و زمینه‌های تکمیل و تکامل و صعود و سقوط در نهاد او نهاده شده است و اگر او را به حال خود رها نکنند و از توجه به شقاوت و خسران مانع شوند، بیگمان به‌سوی کمال حرکت می‌کند؛ بنابراین از آن جهت که مردمان در فطرت، مستعد سعادت و شقاوت‌اند، نیازمند اخلاق‌اند و باید کسانی باشند که آنان را از توجه به شقاوت بازدارند و به‌سوی سعادت رهنمون سازند.

خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق را قابل تغییر می‌داند و بر این عقیده است که انسان به‌گونه‌ای آفریده شده است که می‌تواند صفات، عادت‌ها و حتی ملکات اخلاقی خویش را تغییر دهد و هر خُلُق را که بخواهد با رفتار مکرر و متناسب با آن، برگزیند و در نفس خود رسوخ دهد. از این رو نقش بسیار مهم و سازنده خانواده و به‌ویژه آموزش و پرورش به این دلیل که کودکان و نوجوانان بیشترین زمان و وقت خود را در دو نهاد خانه و مدرسه سپری می‌کنند در هدایت، تأدیب و پرورش صحیح اخلاق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

به‌طور کلی اخلاق همواره واژه‌ای مثبت تلقی می‌شود و مطلوب بودنش، نیاز به اثبات ندارد. با وجود اجماع بر بدیهی بودن و زیبایی رعایت اخلاق، آگاه بودن بر این جزئیات نیازمند آموختن است و گاه رعایت آن بدون آموختن و کسب آگاهی کافی، ممکن نیست. اخلاق عاملی است که به رفتار انسان نظم می‌دهد و آن را در خدمت فعالیت‌هایی که هدف‌های اجتماعی را دنبال می‌کنند قرار می‌دهد.

اخلاق در اصطلاح عالمان این فن برگرفته شده از همان معنای لغوی است. از دیدگاه آنان خلق در اصطلاح ملکه‌ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکر کردن از انسان صادر می‌شود. ملکه آن دسته از کیفیات نفسانی است که به‌کندی از بین می‌رود و در برابر دسته دیگری از آن به نام حال؛ به‌سرعت زوال می‌پذیرد. همچنان که مطهری (۱۳۸۵: ۱۵۹-۱۵۸) اخلاق را فرایندی می‌داند که منجر به ایجاد عادت و طبیعت ثانوی و یا ملکاتی می‌شوند که با اختیار و تلاش پیگیر در روح بشر به وجود می‌آید (مروتی، ۱۳۹۲).

ابوعلی بن مسکویه در کتاب تهذیب‌الاخلاق و تطهیر‌الاعراق (۱۳۸۳) می‌گوید: «اخلاق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند بدون آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد» (ابن مسکویه، ۱۴۲۶ ق). علامه دوانی می‌گوید: «اخلاق ملکه‌ای است در نفس که مقتضی سهولت صدور فعلی باشد از آن بی احتیاج به فکر و رؤیت؛ و ملکه کیفیتی است راسخ در نفس و در حکمت نظری معلوم شده است که کیفیت نفسانی اگر سریع الزوال باشد، آن را حال می‌گویند و اگر بطی الزوال باشد، ملکه» (دوانی، ۱۳۹۱: ۶۷).

فیض کاشانی می‌گوید: «اخلاق هیئتی استوار و راسخ در جان است که از آن، کارها به‌آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه صادر می‌شوند و حال اگر این هیئت به‌گونه‌ای باشد که از آن افعال زیبا و پسندیده از نظر عقل و شرع صادر شود آن را اخلاق نیک می‌گویند و اگر از آن افعال زشت و ناپسند صادر شود آن را اخلاق بد می‌گویند» (فیض کاشانی، ۱۳۷۸ ق: ۵۴). به نظر امانوئل کانت^۱ (۱۸۰۱ م) خردورز بودن به معنای عمل کردن برابر با قوانین عمومی است و نیز اینکه قوانین اخلاقی آن قوانینی هستند که به‌طور گسترده‌ای مورد قبول و پیروی انسان‌های

خردمند باشند. بنابراین اگر انسانی اخلاقی باشد، خردمند و در همان معنا آزاد نیز هست. فضیلت، تنها شادی نیست، بلکه عظمت، آزادی و والایی انسان است. منفعت و فضیلت اخلاقی (اراده نیک، نیک‌خواهی) برترین خیر است و در برابر آن کلیه ارزش‌های دیگر فرعی هستند (فرهود، ۱۳۸۶: ۱). اخلاق در روانشناسی به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی مطرح است. این مفهوم به یک سلسله ارزش‌ها و باورهای درونی اطلاق می‌شود که به‌عنوان یکی از عوامل مهارکننده عمل می‌کند. به این ترتیب وجدان از یک قضاوت ساده نسبت به درست و نادرست فراتر می‌رود و به مقام تشخیص و به‌کار بستن اصول، تکالیف و قوانین اخلاقی می‌رسد (کدیور، ۱۳۹۵).

محقق طوسی در کتاب اخلاق ناصری، در تعریف خود از اخلاق بر جنبه شناختی و علمی تأکید کرده است؛ او می‌گوید: اخلاق علمی است به آنکه نفس انسانی چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که به اراده او صادر شود جمیل و محمود بود (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

۱-۱-۱ غایت اخلاق در اسلام

غایت اخلاق از دیدگاه اسلام رسیدن به کمال است و ملاک و معیار نقد و ارزیابی دیدگاه‌ها میزان تأثیر آن‌ها در رساندن انسان به‌غایت نهایی وی یعنی کمال واقعی است. کمال در معنای فلسفی به معنای شدت یافتن وجود است؛ یعنی موجودی واجد امری حقیقی و عینی شود که به‌واسطه آن بر مرتبه وجودی‌اش افزوده شود؛ مثلاً اگر انسان دارای صفتی شد که هم‌سنگ با ذات او باشد، باید گفت وی کامل شده است؛ اما کمال اخلاقی که معنای اخص از کمال است به معنی تعالی روحی است که با تقرب هرچه بیشتر به خدای متعال به‌دست می‌آید؛ یعنی کسب کمالات متعدد درنهایت به‌منظور دست یافتن به کمال واقعی، مطلق و اصیل قرب الهی است و آن‌ها مقدمه رسیدن به این تعالی است (مصباح یزدی، ۱۳۶۸).

۲-۱ اهمیت و ضرورت توجه به اخلاق

نیاز جهان معاصر به اخلاق، حیاتی است و واضح است که جز در سایه جدی گرفتن اخلاق و تربیت اخلاقی نمی‌توان به جامعه ایدئال دست یافت توجه به اخلاقی، توجه به حیاتی‌ترین مقوله انسانی است؛ زیرا همه سعادت‌ها و شقاوت‌ها متأثر از اخلاق است؛ و

بیشتر نابسامانی‌های جهان و گرفتاری‌های امروز بشر، ناشی از غفلت انسان از امر اخلاقی خویش است. نقش اخلاق در زندگی آدمی، از جمله مواردی است که به دلیل اهمیت بسیار، پیشینه‌ای به طول تاریخ اندیشه بشری داشته و از بامداد حیات انسان مورد توجه بوده است (باتروکس^۱، ۲۰۰۹). بیشتر نابسامانی‌های جهان و گرفتاری‌های امروز بشر، ناشی از غفلت انسان از امر اخلاقی خویش است (ایمانی، ۱۳۸۷) یکی از دل‌مشغولی‌های اساسی سیاست‌گذاران نظام‌های آموزشی هر کشور، موضوع و مسئله اخلاق است. در جهت اهمیت این موضوع همین بس که حضرت رسول اکرم (ص) در حدیثی، هدف بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق بیان کرد^۲ (بحارالانوار). اخلاق همیشه به عنوان یکی از مسائل اساسی در طول تاریخ زندگی بشر مطرح بوده و نظام‌های تربیتی از دیرباز به اخلاق و تربیت اخلاقی، توجه ویژه داشته‌اند؛ توجه به اصول و ارزش‌های اخلاقی یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ و ارتقا زندگی اجتماعی است و فعالیت‌های بشری تنها در پرتو رعایت ملاحظات اخلاقی در مسیر درست قرار خواهد گرفت (دورکیم، ۱۹۹۲). از آنجایی که موضوع اخلاق، انسان است؛ و انسان نیز اشرف مخلوقات است طبعاً علمی که برای اصلاح چنین موجودی باشد از شرافت خاص برخوردار خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت: اخلاق پس از توحید و خداشناسی اشرف علوم خواهد بود (طاهری، ۱۳۸۱) از همین روست که همه انبیاء و اولیای الهی مسئله اخلاق را در رأس مأموریت الهی خویش دانسته و به‌خاطر اصلاح آن تلاش می‌کردند و هدف بزرگان دینی هم همین اصلاح خلق انسان‌ها بوده و هست و پیوسته سعی کرده‌اند در تمام زندگی‌شان به تهذیب و تصفیه نفس خودشان و دیگران پردازند (غروی، ۱۳۷۷). عالمان اخلاق فعل اخلاقی را در برابر فعل طبیعی قرار داده‌اند و گفته‌اند فعل اخلاقی از حدود کارهای طبیعی و عادی خارج است و با آن‌ها تفاوت دارد (لشکر بلوکی، ۱۳۸۷). آنان اخلاق را دانشی می‌دانند که از اصول و ارزش‌ها صحبت می‌کند، ارزش‌هایی که ناظر بر اعمال، رفتار و صفات ارادی مردمان و تمایز بین خوبی و بدی، نیکویی و زشتی و بایستگی و نبایستگی است (فراستخواه، ۱۳۸۵). از دیدگاه فلاسفه، اخلاق شاخه‌ای از فلسفه است که در باب خوبی‌ها و بدی‌ها، جنگ‌ها، عدالت^۳ و... به بحث و گفت‌وگو و پژوهش می‌پردازد و می‌کوشد تا روشن سازد که انسان چگونه باید باشد؟ و یا در زندگی چگونه باید رفتار

1. Boutroux

۲. قال رسول الله (ص): «انی بعثت لاتمم الخلاق». بحارالانوار، ص ۳۷۲.

کند؟ تا به خوشی و سعادت دست یابد؛ به عبارت دیگر اخلاق، مطالعه در رفتار کمال مطلوب، علم خیر و شر و علم حکمت عملی و به قول سقراط علم اعلی است (مجتبوی، ۱۳۸۶). موضوع اخلاق در طول تاریخ، دیدگاه‌های بسیار متعدد و متنوعی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان شرق و غرب را به سوی خود جلب کرده و بسیاری از فیلسوفان، از روزگار یونان باستان تا عصر حاضر همواره کوشیده و می‌کوشند تا متناسب با مبانی فکری و فلسفی خود نظام اخلاقی خاصی را ارائه دهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴).

۱-۳ تاریخچه اخلاق

آموزه‌های اخلاقی ریشه در ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد دارند. به طوری که در تاریخ آمده است ده فرمان مشهور موسی، میراث یک قبیله سامی است که به ازای هر ده انگشت دست، صادر شده تا به آسانی امکان یادآوری آن‌ها وجود داشته باشد. این گونه فرمان‌های پنج‌گانه یا ده‌گانه در میان تمدن‌های قبل از دوران کتابت و آموزش انسان رایج بوده است. در زمان داریوش پادشاه هخامنشی (۴۸۶ تا ۴۲۱ پیش از میلاد) کودکان از پوشش خدمات و حمایت اجتماعی بهره‌مند می‌شدند. دستمزد کارگران براساس مهارت و سن طبقه‌بندی می‌شدند. مادران از مرخصی و حقوق زایمان و نیز حق اولاد استفاده می‌کردند. حقوق زن و مرد برابر بود و زنان می‌توانستند کار نیمه رقت انتخاب کنند تا از عهده وظایفی که در خانه داشتند برآیند. همچنین هرودوت تاریخ‌نویس یونانی می‌نویسد: داریوش بزرگ پادشاه پارسی، یونانیان را به حضور فراخواند و از آنان پرسید در برابر دریافت چه مبلغی حاضرند اجساد پدران خود را بخورند، آن‌ها به هیچ قیمتی حاضر به انجام این کار نشدند، سپس داریوش عده‌ای از مردم هند را حاضر کرد که بنابر سنتی دیرینه به چنین کاری می‌پرداختند، از آن‌ها پرسید به چه قیمتی حاضرند به جای خوردن این اجساد آن‌ها را بسوزانند، ولی هندی‌ها به هیچ قیمتی حاضر به این کار نشدند، سپس هرودوت این روایات و خلق و خوی بدیهی را مطرح می‌سازد که هر ملتی آداب و سنن خود را بهترین رسوم می‌داند، هرچند آن آداب و رسوم به نظر دیگران نه اخلاقی باشند و نه عقلانی.

زرتشت نخستین کسی است که در برترین پایه به ارزش‌های والای اخلاقی اندیشیده و با زبانی آسمانی درباره آن‌ها سخن گفته است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۵). سخنان و اندیشه‌های زرتشت بسیار بلند و ارجمند است تا بدان جا که از دوران باستان دوست

داران افلاطون برای ستایش او، وی را با زرتشت می‌سنجیدند و فیلسوف نام‌آور آلمانی نیچه از زرتشت در نقش «آفریننده اخلاق» سخن می‌گوید (فرهود، ۱۳۸۶: ۲). دستورات مربوط به حفظ و صیانت از آزادی و کرامت انسان و اخلاق و آیین حکمرانی، آزادی مردم و احترام راستین به حقوق انسان‌ها و ادیان و قومیت‌های گوناگون را (سال ۵۳۸ پیش از میلاد) در منشور کوروش بزرگ ملاحظه می‌کنیم که هنوز هم آموزه‌های حقوق بشر تضمینی به این زیبایی و گفتاری به این دل‌نشینی عرضه نکرده‌اند. آثار نویسندگان فارسی‌زبان بیش از ده قرن به نوازش روح و ذهن خوانندگان خود در موضوعات مربوط به علم اخلاق و اخلاقیات روزمره پرداخته‌اند. پیکره اصول اخلاق عملی به‌عنوان بخشی از ادبیات فارسی به‌خوبی نمایان است. بزرگانی همچون فردوسی، مولانا، حافظ، نظامی گنجوی و... به موضوعاتی از طیف اخلاق تا علم اخلاق، تشویق فرد برای یافتن معنای زندگی نه آزار انسان‌ها اختصاص داده بودند. برای مثال سعدی ابتدا بوستان را در سال ۶۵۵ (۱۲۵۷ م) و سپس گلستان را در سال ۶۵۶ (۱۲۵۸ م) نوشت و به این وسیله از تفکر کهن، اخلاق ایرانی نمونه‌ای بسیار عالی و کم‌نظیر ارائه کرد. برخی نویسندگان جدید بر ارتباط تفکر اخلاقی ایرانی در دوره ساسانیان با قرون وسطی تأکید کرده‌اند همچنین ارتباط با قواعد کلی و نیز قالبی که این قواعد در آن‌ها بیان شده در توجه به پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک از گذشته قبل از اسلام به ارث رسیده است. قاعده کلی (پند و ارز) بیان اساس تفکر اخلاقی ایرانی و ابراز بالاترین احترام به اختیار انسان بود که عمدتاً حکام را مورد خطاب قرار داده و روی توانایی تأمل که باید به هوشیاری شکل بگیرد و آینده‌نگری (تدبیر) تأکید شده بود. به‌خصوص انتظار می‌رفت فرد نتایج و عاقبت اعمال توصیه شده را از چندین بعد پیش‌بینی کند: کامیابی یا ناکامی، خوشبختی یا بدبختی، سود شخصی (مصلحت) و از این قبیل. اخلاقیات به‌عنوان مبانی چگونه زیستن در جامعه شناخته شده بودند (فرهنگ، ادب) و رفتارها براساس آنچه که جامعه وقت، مناسب آرامش خود (شایسته، روا، سزا، درخور) حکم می‌کرد، تنظیم می‌شدند. آنچه مردم عامی قبول نداشتند، بیش از هر چیز سرکوبگری رفتارهای افراد خاص بود و انسان با اخلاق را از انسان بی‌اخلاق از طریق خودداری وی از آزار و زیان رسانیدن به دیگران شناسایی می‌کردند. حتی سخن گفتن از رفتار اخلاقی خود موضوع اعتقاد به اختیار را در خود نهفته دارد. انسان همواره با

مجموعه‌ای از انتخاب‌ها روبه‌رو است، اگر هر اتفاقی تقدیر و مقدر دانسته شود، پس انسان نیازی به ملاحظات اخلاقی ندارد. پیش‌تر در ادبیات اندرزی کهن فارسی که در آن سعی و کوشش پیوسته در مقابل تقدیر، قضا و بخت قرار داشته، مغایرت اخلاقیات با تقدیر غیرقابل اجتناب را روشن کرده است. تقدیر همواره بر این اشاره دارد که انسان محدود و مجبور به نتایج وقایع مقدر است، ولی با وجود این، ملکوت، مواقع مناسب و فرصت‌ها را که انسان اگر هوشیار و کوشا باشد می‌تواند آن‌ها را شکار کند، بر سر راه دل‌های آماده و مساعد قرار می‌دهد که او بتواند از این راه نتایج نوینی را خلق کند (فرهود، ۱۳۸۶).

۱-۴ اخلاق در مکتب روانکاوی

بر مبنای مکتب روانکاوی فروید، کودک چون اصول اخلاقی خود را تا سنین ۶ - ۵ سالگی کسب می‌کند، آموزش رسمی اخلاق در مدرسه چندان تأثیری در اخلاقی کردن وی نخواهد داشت (فروید، ترجمه وقار، ۱۳۹۲: ۳). درواقع از همان سنین اولیه مشخص می‌شود که کودک در بزرگسالی خود فردی با وجدان است یا نه؛ اما در شیوه‌های آموزشی نو فرویدی‌ها و محققان مربوط به حوزه روانکاوی، دیگر مسئله ثابت بودن ویژگی‌های شخصیتی پس از سنین اولیه کودکی درعمل کمتر مطرح می‌شود؛ بنابراین شیوه آموزشی پیشنهادی، قرار دادن کودک در موقعیت‌های وسوسه‌انگیز و سرزنش و بازداري وی از ارتکاب خطا به‌منظور درونی کردن این سرزنش‌هاست که حاصل آن شکل‌گیری وجدان در کودک خواهد بود (کریمی، ۱۳۷۷).

۱-۵ اخلاق در مکتب یادگیری

طرفداران این مکتب معتقدند که از یک‌سو اخلاق امری است نسبی، یعنی ارزش‌های مطلق اخلاقی وجود ندارد. از سوی دیگر، ارزش‌های اخلاقی نیز (مانند سایر رفتارها) طبق اصول یادگیری و از طریق پاداش و تنبیه یا سرمشق و الگو قرار دادن شکل نمی‌گیرد. بلکه مجموعه رفتارها و عادات که از سوی جامعه موردپسند واقع شده است به‌تدریج از طریق مکانیسم‌های یادگیری به وسیله کودک کسب می‌شود. نحوه آموختن اخلاق در این مکتب مانند سایر رفتارها تابع فرایندهای یادگیری از طریق مکانیسم‌های تشویقی و تنبیه و الگو